

بررسی جایگاه بانوان در اشعار عصر بیداری

مطالعه موردی سید اشرف الدین گیلانی «نسیم شمال»

محمد رحمانی^۱، رضا رحمانی^۲

^۱ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی زنجان (نویسنده مسئول)

^۲ کارشناس ارشد حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی تاکستان

چکیده

یکی از ابعاد مهم عصر مشروطه، پیدایش ادبیات سیاسی-اجتماعی و شعر مردمیست. شاعران فراوانی در مقابل گروه اندکی که هنوز شعر بازگشتی می‌سرودند، به زبان مردم و برای آنان شعر سرودند و هم‌آوا با مشروطه‌خواهان، فریاد آزادی و نفرت از بیگانه و هر آن‌چه نابرابریست را سر دادند. در این میان اشرف‌الدین حسینی قزوینی (۱۳۱۳-۱۲۴۷ش.)، معروف به نسیم شمال زبان مردم کوچه و بازار، لحن عامیانه، طنزآمیز و بی‌پروا را در اشعار خود به کار گرفت، او در کلیات دیوان به بانوان در جایگاه مهمی از مخاطبان خود نگاه کرد و اشعاری به زبان آنان و برای آن‌ها سرود. نسیم شمال را باید در زمره شاعران مدافع حقوق بانوان دانست. او از جمله شاعرانیست که در مبارزه با جهل و استعمار و نیز تنویر افکار عمومی، در راستای طرد هرگونه ظلم و تعدی، نقش بسزایی داشته است. در این مقاله کوشش می‌شود به آن دسته از اشعاری که نسیم شمال درباره بانوان سروده است را مورد بررسی قرار می‌دهیم. هدف این پژوهش بررسی جایگاه بانوان در اشعار نسیم شمال است، جامعه مورد بررسی دیوان نسیم شمال است.

واژه‌های کلیدی: نسیم شمال، سید اشرف الدین گیلانی، بانوان، اشعار، جایگاه زن

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. مقدمه

تاریخ ادب دوره مشروطیت، عرصه ظهور شاعرانی است که در رگ هر کلامشان، خون مبارزه و فریاد جریان دارد. امیران سخن این عصر، سردارانی سر به دارند که به نیروی معجزه‌آسای شعر دژهای استبداد و نا مردمی و دل‌های مردم ستم‌دیده را تسخیر می‌کنند و اندوه مردم بینوا را به سر دادن نوای خشم‌آگین بر نامردمان بر می‌انگیزد. پهنه ادب این عصر تجلی‌گاه مردانی است تاثیر سحر سخنان رونق بزم تشنگان قدرت و بیداد نیست، بلکه تیغی آبدیده در معركة رزم این بی‌قدردان دون همت است و سخن سرایانی که شعرشان نه زمزمه‌های عاشقانه خاک آلود که فریادهای آسمانی خشمگینانه است. در دامان این عصر پر افتخار ادب فارسی، سید اشرف‌الدین گیلانی شهرت و محبوبیت ویژه‌ای دارد. او یکی از نام‌آورترین شاعران طنزپرداز معاصر به شمار می‌رود.

شعر سیداشرف‌الدین، که سلاح مؤثر او در مبارزه با اسب‌داد بود، در روزنامه نسیم شمال به چاپ می‌رسید و به محض انتشار، در میان مردم، چه بی‌سواد و چه با سواد، دست به دست می‌گشت و بارها و بارها خوانده می‌شد. او شاعر مردم بود. در میان آنان زندگی کرد، برای آنان شعر سرود. سیداشرف‌الدین به یمن ذوق سرشار و زبان ساده‌اش شاعری برجسته شد؛ اما همواره در میان مردم محروم باقی ماند و آنچنان در میان آن‌ها فرو رفت که امروزه حتی مزارش نیز همچون مزار هزاران هزار مردم محروم و گمنامی که برای داغشان، ناله سر می‌کرد، از دیده‌ها پنهان است.

۱-۱- نگاهی به زندگانی شاعر

اشرف‌الدین حسینی قزوینی که نام وی در تاریخ ادبیات و دیوان‌های شعری‌اش به صورت سید اشرف‌الدین حسینی گیلانی بیان شده است در محرم یا صفر ۱۲۸۹ ه.ق. در قزوین متولد شد. (محمدی، ۱۳۷۳: ۱۷۳) مهدی نور محمدی در مقاله مفصل و مستندی با عنوان «ناگفته‌هایی در باب زندگی سید اشرف‌الدین» در یادنامه شاعر به عنوان شاعر مردم به چاپ رسانده، آورده است که پدرش آقاعبدالله، امام جمعه قزوین بوده است. اشرف از سادات نبوده و به دلیل دلخوری از خانواده پدری، خود را به خانواده مادرش که از سادات بوده‌اند منتسب کرده‌است. او در جوانی به عراق رفته و مدتی در قزوین زیسته، سپس به تبریز و بعد به گیلان رفته و روزنامه نسیم شمال را تاسیس کرده است. وی پس از استقرار مشروطیت، به تهران آمده است، در سال ۱۳۳۳ ه.ق. انتشار روزنامه نسیم شمال را در پایتخت از سر گرفته و تا پایان عمر، در تهران مانده است. (نورمحمدی، ۱۳۸۴: ۲۰)

۱-۲- بیان مسئله:

تا قبل از انقلاب مشروطه در ایران قرن‌های متمادی، با توجه به دیدگاه مردم عصر به زن، نه تنها در عرصه سیاسی اجتماعی، حتی در عرصه‌های اجتماعی، ادبیات و فرهنگی نیز حضور قابل توجهی نداشتند. (یزدانی، ۱۳۸۶: ۱۸۳) انقلاب مشروطه یکی از مهم‌ترین عوامل تغییرات اجتماعی و سیاسی و مخصوصاً فرهنگی در تاریخ ایران است. در این انقلاب تفاوت‌هایی که بین زنان و مردان تصور می‌شد، به نقد کشیده شد و بر لزوم دخالت دادن زنان در امور اجتماعی تاکید شد. در واقع نهضت مشروطه علاوه بر این که در ساختار سیاسی و اجتماعی تغییر ایجاد کرد؛ بلکه در تغییر نگرش و بیداری مردم نیز اهمیت بسیاری و سر منشا تحولات بزرگی در وضعیت زنان محسوب می‌شود. (یزدانی، ۱۳۸۶: ۱۸۰)

در واقع زنان ما همراه با تحولات اجتماعی کشورمان فهمیدند که باید برای هم‌رزمی، هم‌فکری و همراهی با مرد، در همه زمینه‌های زندگانی تا برای به دست آوردن آزادی و حقوق انسانی و اجتماعی تلاش کنند. همین زنان برای برقراری مشروطیت و برای به دست آوردن حداقل پایه‌پای مردان قیام نمودند و در انجمن‌های سری که تشکیل دادند، اهداف خود را پی‌ریزی کردند.

ابعاد وسیع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی انقلاب مشروطه، جهش فکری عظیمی را در بین شاعران و نویسندگان ایران به وجود آورد. این امر به نوبه خود، تحول شگرفی در ادبیات ایجاد کرد. تا آن‌جا که پس از سبک خراسانی، عراقی، هندی و دوره بازگشت، باید سبک شعر ادبیات مشروطه را به آن اضافه نمود. مسلم است که این تحول، تحت تاثیر آشنایی نزدیک ادیبان

ایرانی با تحولات جدید فکری اجتماعی اروپا و نیز شکل‌گیری جنبش‌های مردمی و نهضت ضد استعماری و ضد استبدادی دانست. (آرین‌پور، ۱۳۸۲: ۱۴)

مسئله زنان از حوزه‌های مهم سید اشرف‌الدین است که با توجه به روح والا و تفکر پویا این موضوع جزو مضامین قابل توجه در اشعار این شاعر است. هویت و شخصیت در دیدگاه این شاعر بسیار مورد توجه است. زیرا هویتی که برای زن در نظر می‌گیرد هویتی والا است. به طور کلی تلاش آن‌ها در ارزش دادن به زن هم پای مرد و حتی بالاتر از او، تا جایی ادامه پیدا می‌یابد، که زنان نیز آماده دفاع از هویت و حقوق اجتماعی خود می‌شوند و از هر وسیله سود می‌برند که به مردم بفهمانند؛ که زن و مرد بودن در اصل موضوع تغییری ایجاد نمی‌کند، بلکه هر کس به هویت واقعی انسانی خود نزدیک‌تر باشد از شایستگی بیش‌تری در میان جامعه پیدا می‌کند.

در شعر سید اشرف‌الدین سیمای زن و مادر بسیار والایی است این امر ناشی از حوادث زندگی دو شاعر و نقش مادر در تعلیم و تربیت آنان می‌تواند باشد. سید اشرف‌الدین نسبت خود را از طرف مادری به ارث برده، زیرا که نه پدر، بلکه مادر او سیده بوده است حتی نام سید اشرف‌الدین گیلانی را نیز مادرش انتخاب کرده است. (محمدخانی، ۱۳۸۲: ۲۷)

اشرف‌الدین کرد مادر نام من / ریخت شهد معرفت در کام من (نسیم شمال، ۱۳۸۶: ۲۰۷)

سید اشرف‌الدین در برخورد با مسئله زنان با روشن فکران زمانه خویش هم رأی بود، اما راه خویش را از یاد نمی‌برد. دیدگاه او در این باره، آمیزه‌ای است از دیدگاه‌های متفاوت روزگارش با ویژگی‌های فکری و اعتقادی خاص خودش. او موضوع زن را در دایره تجدد و سنت بررسی می‌کرد. سنت و تجدد را با هم می‌خواست، یعنی فردی معتدل بود.

سید اشرف‌الدین با وجود پای‌بندی به سنت و شریعت، هر گونه خرافه پرستس در نزد او محکوم بود و مبارزه با جهل و خرافه و تعصب عوامانه، در اشعارش مشاهده می‌شود. او در جای‌جای اشعارش مردم را به آموختن علم و دانش ترغیب و تشویق می‌کند و راه رشد و ترقی کشور را در بالا بردن سطح علم و آگاهی مردم می‌داند. (کریمی موعاری، ۱۳۸۲: ۱۱) ناآگاهی و بی‌سوادی مردم در جوامع اسلامی عقب مانده را کوتاه فکری و فاصله طبقاتی زیاد می‌داند.

در عصری که مردم ایران حتی با تحصیل پسران خود مخالف بودند، نسیم شمال تحصیل دختران را ضروری می‌دانست. وی معتقد بود که دختران (مادران آینده) اگر با سواد باشند می‌توانند در آینده فرزندان خود را به خوبی تربیت کنند. این امر نه تنها مخالف با دین اسلام نیست؛ بلکه دین اسلام همیشه مردم را دعوت به علم‌آموزی و آگاهی می‌کند و این توصیه بیش‌تر در مورد دختران تأکید می‌شود.

سید اشرف‌الدین در فضایی از حقوق زنان صحبت می‌کرد که نه تنها در ایران بلکه در بیش‌تر جوامع جهانی حقوق بانوان در تعدی بود. او همواره خود را مدافع حقوق زن می‌دانست در اشعارش به نابرابری زن و مرد، وضعیت خانواده، حقوق زن و... می‌پرداخت. آزادی که او برای زنان می‌خواست آزادی اسلامی و به اصطلاح دیگر آزادی معنوی بود. هم‌چنان که از آزادی اجتماعی و سیاسی زنان دفاع می‌کرد نسبت به حجاب و عفت زنان تأکید داشت.

۱-۳- سوال و اهداف پژوهش:

دیدگاه سید اشرف‌الدین در مورد زنان چگونه است و تا چه حدی از دین و یا از نهضت‌های عصر متأثر است؟ هدف ما از این پژوهش بررسی اندیشه‌های سید اشرف‌الدین گیلانی درباره زنان و تجلی این اندیشه‌ها در اشعار اوست. ما برآنیم تا:

ارائه تصویری در خور شان از زن در آثار شاعر

تأثیر مبانی اعتقادی و مذهبی شاعر در هویت و پایگاه اجتماعی زن

۲- بررسی اشعار

دوره مشروطه از مهم‌ترین دوره‌های است که مسئله زنان مورد توجه شاعران و روشن‌فکران قرار گرفته است. نسیم شمال نیز از شاعرانی است که در این عصر در مورد زنان شعر سروده‌اند. در آن دوره زنان از جایگاه اجتماعی مناسبی برخوردار نبودند و در

شرایط محروم اجتماعی به سر می‌برند. این وضعیت نامطلوب به گونه‌ای بود که علاوه بر شاعران و نویسندگان عصر که به دفاع از حقوق فردی و اجتماعی زنان برآمدند، حتی شاعران و نویسندگان در دوره‌های بعد هم نسبت به این موضوع عکس-العمل بیش‌تری نشان دادند و همین باعث شد به نوشتن کتاب و سرودن اشعاری در مورد حمایت زنان بپردازند. این مسئله زن و تعلیم و تربیت او با مشروطه شروع می‌شود و یکی از درون‌مایه‌های اصلی شعر این دوره را تشکیل می‌دهد و در ادبیات قبل انعکاس آن اصلاً وجود ندارد. (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۱: ۳۹)

جنبه‌های مهم اندیشه سیداشرف‌الدین در مورد زنان که در دیوان خود بر آن‌ها تأکید دارد، مباحثی از جمله: مبارزه با رسوم نادرست جامعه، تشویق زنان به تحصیل و در نهایت مسئله بسیار مهم حجاب است.

سیداشرف‌الدین نه تنها در اشعاری که تحت عنوان زنان آورده بلکه در محتوای دیگر اشعارش نیز، اندیشه‌ها و باورهای خود را نسبت به زنان به تکرار بیان و تشریح کرده‌اند. پرداختن به این موضوع و دفاع از حقوق زنان در جامعه‌ای که در وجود زن نادیده گرفته شده بود، نوعی شجاعت و قابل تحسین است که این شاعر جدیت و قاطعانه سختی‌ها و مشکلات این قشر مظلوم را که قرن‌ها در ذلت و خواری به سر می‌بردند، در اشعارش به تصویر کشیده است.

از مضامین قابل توجه سیداشرف‌الدین به زنان مضامینی چون: نداشتن حق تصمیم‌گیری و آزادی بیان، دغدغه‌های آن‌ها، وضعیت نامطلوب ازدواج زنان، عدم اختیار در انتخاب همسر و مسئله تعدد زوجات است. یکی از موضوعاتی که این شاعر در اشعارش پرداخته و در شعر دیگر شاعران این دوره کم‌تر به چشم می‌خورد موضوع حجاب هست. حجاب، عفت و آزادی زنان بود که اشرف‌الدین در هر عنوان شعری‌اش به این مسئله تأکید می‌کند. وی در مقابل دیدگاه کسانی که در پی آن بودند، زنان را از هویت دینی و سنتی‌شان دور کنند، عکس‌العمل نشان می‌داد و معتقد بود زن ایرانی اگر قرار است صاحب علم و دانش شود، نباید عصمت و هویت دیرینه‌اش را از دست دهد. آزادی‌ای که او برای زنان می‌خواست آزادی معنوی بود.

اندیشه دفاع از حقوق زن و برکشیدن پایگاه اجتماعی او خود از اندیشه برابر خواهانه برمی‌خاست و در حقیقت، غایت پیشرفت نوسازی جامعه در همه عرصه‌ها بود، و مفاهیمی چون قانون، مردم‌سالاری، آزادی، برابری، دانش و فناوری نو را در بر می‌گرفت. (اصیل، ۱۳۸۴: ۴۲۷)

۱-۲- شیوه بیان طنزنویسی

محتوای شعر طنز سیداشرف‌الدین، مردم را به سوی تفکر و بالا بردن سطح زندگی شان دعوت می‌کند، که این امر در بالا بردن شعور اجتماعی، دارای اهمیت است. بنابراین می‌توان او را از شاعران طنز اجتماعی دانست.

طنزنویسی بالاترین درجه نقد ادبی به شرط آن که حوادث و چهره‌ها را دگرگون نکند، از فانتزی رئالیستی و از اصول دیگر هنر بدیعی استفاده می‌کند؛ و این حوادث و چهره‌ها را برجسته‌تر و نمایان‌تر از آن چه هست جلوه می‌دهد و در بند آن که تابلو راست و درست (عینی) باشد، نیست. (چرنیشفسکی، ۱۹۴۷: ۱۸)

۲-۲- مقام مادری

در شعر سیداشرف‌الدین گیلانی زن و مادر مقام بسیار والایی دارد. این امر ناشی از حوادث زندگی دو شاعر و نقش مادر در تعلیم و تربیت آنان می‌تواند باشد. نسیم شمال نسبت خود را از طرف مادری به ارث برده و خود را سید دانسته است. زیرا نه پدر، بلکه مادر او سید بوده است. (محمدخانی، ۱۳۸۲: ۴۱) حتی خود شاعر هم در دیوانش به موضوع انتخاب نام «اشرف‌الدین» توسط مادرش اشاره می‌کند:

اشرف‌الدین کرد مادر نام من / ریخت شهد معرفت در کام من (نسیم‌شمال، ۱۳۸۶: ۲۰۷)

سیداشرف‌الدین در مثنوی «سجل احوال» به مسئله تعیین هویت فرزند در شناسنامه که نامی از مادر برده نمی‌شود، اشاره می‌کند و این امر نشان‌گر اعتراض وی به حقوق نابرابری زنان نسبت به مردان است:

به اسم و رسم پدرها لقب نهاده تمام /

ولی نبرده ز مادر به هیچ وجهی نام

مگر که مادر بیچاره جزو آدم نیست/
مگر که مادر بیچاره نسل آدم نیست؟
مگر که سلسله مادری نسب نبود/
گر مادر خود مرد منتسب نبود؟
چه شد که اسم نسا کمتر از رجال شده/
حقوق مادر بیچاره پایمال شده
من علیه که هستم در این دیار بلا/
بود قلی پدرم نام مادرم زهرا
ولیک از پدر خویش عار دارم من/
به نام مادر خود افتخار دارم من
از این به بعد به هر دفتری و هر جایی/
بود علامت فامیل بنده زهرائی(نسیم شمال، ۱۳۸۶: ۲۰۳)

۲-۲- مقام سیاسی مادران

در اشعار سید اشرف‌الدین، با مادران روشن فکری روبرو هستیم که حین گفت‌وگو با فرزندان و لالایی خواندن برای آن‌ها از اوضاع جامعه هم انتقاد می‌کنند. از جمله دربارهٔ مشروطه و مسائل انتخابات مجلس اظهار نظر می‌نمایند. در واقع سید اشرف‌الدین در این بخش از اشعار، به نقش سیاسی زنان و روشن‌فکری مادران می‌پردازد. گفت‌وگوی مادر با طفل:
در عهد مشروطه به دنیا آمدی هوی هوی / کاشکی به دنیا نیامدی لار آمدی هوی هوی هوی
آمدی هوی هوی هوی / با چشم مست نرگس شهلا آمدی هوی هوی هوی
گرچه آمد با بچه‌اش پیش پیش پیش / مرغه آمد با جوجه‌هاش کیش کیش کیش و... (نسیم شمال، ۱۳۸۶: ۲۵۷)
در شعر لای لای گهواره مادر از حضور بیگانگان در کشور و دخالت بی‌جای آنان در امور سیاسی ناخرسند است که این امر باعث تغییر باورها و عقاید مردم می‌شود:

مساجد گشته ویرانه/
معابد گشته میخانه/
وطن پر شد زبیگانه/
بالام لای لای بالام لای لای
ذلیل دشمنان گشتیم/
اسیر ناکسان گشتیم/
که رسوای جهان گشتیم/
بالام لای لای بالام لای لای (نسیم شمال، ۱۳۸۶: ۷۳)

۲-۳- تحصیل زنان

تحصیل علم زنان از جریان‌سازترین اندیشه‌های نسیم شمال است، که به اهمیت این موضوع به شدت تاکید داشتند. تا آن‌جایی که رواج دانش‌ها و تحصیل علم را عمده‌ترین عامل تغییر و تحول اجتماعی می‌دانند.
سید اشرف‌الدین در شعر «فصل بهار» علاوه بر تشویق دختران به علم و دانش، آن را عامل اصلی در برطرف شدن مشکلات فراوان جامعه بانوان می‌داند. وی در زمرهٔ آن دسته از روشن‌فکران مذهبی بود که در مقابل مخالفت هم عصرانش ایستاد و معتقد بود که زنان هم باید مانند مردان باسواد باشند:
ای دختر من درس بخوان فصل بهار است/

بیکار به خانه منشین، موقع کار است
بک چادری از عفت و ناموس به سر کن /
وانگه برو مدرسه تحصیل هنر کن
علم است که معروف نموده عرفا را /
علم است که مشهور نموده شعرا را
تعظیم نمایید جمیع علما را /

دایم ز جهالت دل بی علم فکار است و... (نسیم شمال، ۱۳۸۶: ۱۰۳)

در شعری با عنوان «شاگردان بخوانند» تحصیل علم را از واجبات جهان می‌داند که باید زن و مرد هر دو در جهت کسب علم تلاش کنند و تنها نقطه تمایز انسان‌ها را فقط در علم می‌داند:

در جهان واجب به ما علمست علم /
مرد و زن را رهنما علمست علم
آم چه پیغمبر بما واجب نمود /
آشکار و برملا علم است علم
کودکان را در زمان کودکی /

باعث نشو و نما علم است علم (نسیم شمال، ۱۳۸۶: ۴)

«نصیحت یک مادر به دخترش» نشان دهنده رضایت‌مندی مادری است که تحصیل علم زنان، باعث خوشحالی و شادی او شده است. بند تکراری شعر «ای دخترک بیدار شو» مادر، دختر خویش را تشویق می‌کند که علم یاد بگیرد تا از تمام حقوق فردی و اجتماعی خویش بهره‌مند گردد و از این طریق در آبادانی کشور نقشی داشته باشد:

روز نشاط عالم است ای دخترک بیدار شو /
وقت بلوغ آدم است ای دخترک بیدار شو
آمد بشارت از فلک دختر بود رشک ملک /
زین مزدها دل بی غم است ای دخترک بیدار شو
اندر اروپا سربه سر در علم و تحصیل و هنر /
زن افضل است و اقدم است ای دخترک بیدار شو
فرمود فخر کائنات علم از برای مومنات /
یار و رفیق و همدست ای دخترک بیدار شو
آباد شد ویران ما روشن شده ایران ما /

آفاق شاد و خرم است ای دخترک بیدار شو (نسیم شمال، ۱۳۸۶: ۵۹)

سیداشرف‌الدین به مسأله تحصیل زنان تاکید داشت و بزرگ‌ترین آرزوی خویش را بیداری و آگاهی زنان مسلمان نسبت به حقوق خویش می‌دانست. سیداشرف‌الدین برخلاف دیدگاه غلط جامعه نسبت به زنان به آگاه‌سازی زنان می‌پردازد:

دختران باید ز علم و معرفت زینت کنند
تا که علم و ادب بر شوهران خدمت کنند
با سلیقه جمله اهل خانه را راحت کنند /
نه که روز و شب همین آرایش صورت کنند

صورت دختر چو گلشن می‌شود از مدرسه (نسیم شمال، ۱۳۸۶: ۵۵۷)

بنابراین زنان در انقلاب مشروطه به این نکته دست یافتند که برای پیشرفت، باید بیاموزند و به جای این که فقط اکتفاء خود به امور ظاهری سواد و علم خود را به رخ بکشند، با برقراری مدارس دخترانه در تهران، تحولات زیادی در جامعه رخ داد. (یزدانی، ۱۳۸۶: ۱۸۶)

سید اشرف‌الدین تمام افشار مردم جامعه را به تحصیل علم دعوت می‌کند تا به پیشرفت و آبادانی کشور کمک بزرگی کنند. او جوانان آگاه و روشن‌فکر را بهتر از پیران ناآگاه و کوتاه‌فکر، و دختران باسواد را بهتر از پسران جاهل می‌داند. چون دختران به عنوان مادران آینده در تربیت و آگاهی نسل آینده نقش اساسی دارند.

گر پسری بی علم شد دختر از او بالاتر است

دختر باهوش و دانا از پسر بالاتر است

بلکه از هر آدم بی علم خر بالاتر است

شعرهای اشرف‌الدین از شکر بالاتر است

چون به شعرش احسن احسن می‌شود از مدرسه

ای جوانان روح روشن می‌شود از مدرسه (نسیم شمال، ۱۳۸۶: ۷۱)

در شعر دیگری می‌فرماید:

مادران من بعد دانا می‌شود

دختران باهوش و خوانا می‌شود

کورها از علم بینا می‌شوند

این فقیران هم توانا می‌شوند

صبر کن آرام جانم صبر کن (نسیم شمال، ۱۳۸۶: ۷۷)

۲-۴- تعدد زوجات

یکی از دغدغه‌های سید اشرف‌الدین در بسیاری از سروده‌هایشان در بسیاری از سروده‌هایشان در مورد زنان، مسئله چند همسری مردان است. نسیم شمال با قاطعیت مخالفت و انکار خود را به این موضوع نشان می‌دهند و روی آوردن به این مسئله را در نتیجه ناآگاهی آنان می‌دانند و هر دو شاعر، داشتن زن را برای مردان توصیه می‌کنند. آن‌ها زنان را دارای هویت و شخصیت مستقل می‌دانند، که این هویت در مسئله تعدد زوجات نادیده قرار می‌گیرد.

در جامعه ایرانی، رسم چند همسری بیش‌تر در میان مردان متمدن رایج بود. بیش‌تر تهی‌دستان به یک همسر اکتفا می‌کردند، زیرا وضع معیشت به آن‌ها اجازه نمی‌داد که بیش از یک زن داشته باشند. افزون بر این در طبقات فروردین جامعه، وفاداری و مهرورزی بنیادین استوارتر داشت. عرف حاکم نیز چند همسری چندان نمی‌پسندید. از این رو، در روستاها و بخش فقیرنشین شهرها و نیز در میان فرهیختگان چند همسری بسیار کم بود. (اصیل، ۱۳۹۰: ۱۳۲)

سید اشرف‌الدین در شعری با عنوان «شکایت» درد دل و گلایه یک زن را که شوهرش با وجود اینکه پیر شده، ولی اسیر هوس بازی خود شده است، آشکارا نشان داده است:

شوهر من گوهر مخزن می‌خواد/

پیر شده شانه و سوزنن می‌خواد

مرغ شده دانه ارزن می‌خواد/

دو زن داره بازم دلش زن می‌خواد

یک شوهری دارم نودساله/

ریش سفیدش تا پیر شالسه

هر جا میره بچش به دنباشه/

دوزن داره بازم دلش زن می‌خواد (نسیم شمال، ۱۳۵۶: ۵۲)

نسیم شمال تنها راه حل برای این موضوع را فقط ازدواج تک همسری بیان می‌کند:

دو زن در خانه آوردن خلاف است/

زنان را از خود آزدن خلاف است

ز زن‌ها تو سری خوردن خلاف است/

ز یک زن بیش‌تر بردن خلاف است

بلی در عهد سابق بی بهانه/

دو زن می‌برد هر مردی به خانه

ولی امروز این عهد و زمانه/

ز یک زن بیشتر بردن خلاف است و... (نسیم شمال، ۱۳۵۶: ۲۱۳)

در شعری دیگری با عنوان «مرد دو زنه» پشیمانی و ندامت مرد دو زنه را به طور طنز به تصویر می‌کشد، وی در آخر به داشتن

یک همسر مانند داشتن خدای واحد اقرار می‌کند:

حال، بی ریش و بی سبیل من/

از خجالت ببین ذلیم من

نه مرا ریش و نه سبیلی ماند/

داد و فریاد و قال و قبیلی ماند

گشت معلوم بر من مضطر/

که دو زن شد حرام در دفتر

هست آسوده یک زن و یک مرد/

مرد در عمر خود نه ببند درد و... (نسیم شمال، ۱۳۵۶: ۲۷۲)

۲-۵- ازدواج دختران کم سن و سال با پیران

ازدواج زودهنگام و عدم اختیار آن‌ها در انتخاب همسر آینده خود از جمله دیگر مشکلات و معضلات بود که در جامعه سید

اشرف‌الدین دختران با آن روبرو بودند. علت عمده آن را پایین بودن سطح زندگی خانواده می‌دانست.

سید اشرف‌الدین در شعری تحت عنوان «صحبت دختر با عمه‌اش» از زبان یک دختر، مورد بی‌توجهی قرار گرفتن دختران را در

خانواده نشان می‌دهد:

عمه جان داد از این پریشانی/

داد و بی‌داد از این پریشانی

من ده ساله را به شوهر داد/

به یکی پیرد مرد مضطر داد

من به جای نتیجه‌اش بودم/

جای اولاد بچه‌اش بودم

بنده ده ساله او نود ساله/

اجلش آمده ز دنباله

هم ز اخلاق او بد اخلاق است/

هم زبانش به فحش چون طاق است و... (نسیم شمال، ۱۳۵۶: ۴۷۵)

۲-۶- نقش دینی زنان

بیشترین مضمونی را که می‌توان در اشعار سید اشرف‌الدین مشاهده کرد، توجه ویژه او به مسائل دین و اعتقاد مردم است که با هوشیاری نسبت به این مسئله می‌پردازد.

اشرف‌الدین که متوجه غرب‌زدگی در افکار مردم و حتی روشن‌فکران جامعه شده بود، بر خلاف بسیاری از شاعران دوره همچون: میرزاده عشقی، ایرج میرزا و... که می‌گفتند زنان ایرانی نیز باید مانند زنان اروپایی بدون حجاب و پوشش در معابر و مکان‌های عمومی ظاهر شوند، حجاب و عفت را لازمه زنان می‌دانسته است. (سجادی، ۱۳۸۷: ۵۳)

۲-۷- مسئله حجاب

از بحث‌انگیزترین جنبه سیداشرف‌الدین درباره زن مسئله حجاب است. از مسائل شرعی مهم در مورد زنان، حفظ پوشش و نگه‌داشتن هویت و ارزش آن‌هاست. وی زنانی را که نسبت به مسائل شرعی اسلام در مورد خودشان و عرف و سنت جامعه ایران بی تفاوت بودند را به باد انتقاد می‌گیرد.

حفظ حجاب از جمله مواردی است که بسیاری در شعر سید اشرف‌الدین دیده می‌شود و تقریباً در بیش‌تر اشعاری که مورد زنان بحث کرده، رعایت حجاب را توصیه کرده است چرا که خدا و پیامبر نیز به این مسئله توصیه می‌کنند. سیداشرف‌الدین در شعری با عنوان «در تحریر دختران مه طلعت به عفت و عصمت» ویژگی‌های یک زن مسلمان را می‌شمارد و به اهمیت رعایت حجاب که برگرفته از مذهب است، می‌پردازد:

دختران را یار جانی عصمت است /

غنچه باغ جوانی عصمت است و عفت است

مایه شادمانی عصمت است و عفت است /

لاله باغ معانی عصمت است و عفت است

اولا بایست دختر صاحب صنعت شود /

ثانیا در خانه شوهر رود راحت شود

ثانیا غرق حیا و عصمت و عفت شود /

زین کلام تازه روشن غرق در لذت شود

حافظ ناموس ملت صاحب شرع شهود /

حضرت ختم الرسل سلطان اقلیم وجود

از برای عصمت و عفت سفارش نمود /

دختر شش ساله‌ای می‌خواند دیشب این سرود

دختران را یار جانی عصمت است و عفت است /

زینت این زندگانی عصمت است و عفت است. (نسیم شمال، ۱۳۸۶: ۶۱)

در شعر دیگری نیز با عنوان «حجاب» دوباره به اهمیت حفظ حجاب و عصمت می‌پردازد و این دو را لازم و ملزوم می‌داند:

با حجاب از حور بهتر می‌شود /

رو سفید روز محشر می‌شود

شافعی زهرای اطهر می‌شود /

قسمتش از حوض کوثر می‌شود و... (نسیم شمال، ۱۳۸۶: ۴۷۷)

۳- نتیجه‌گیری:

سیداشرف‌الدین گیلانی شاعری روزنامه‌نگار بود که در اشعار خود با طنز، و به شیوه رئالیستی نارسایی‌های اجتماعی نسبت به بانوان را به تصویر کشیده‌است، تا آن‌ها به حق و حقوق انسانی و مدنی خود دست یابند و با سرودن اشعاری در قالب حکایت و داستان و استفاده از شیوه روایی، ترفندهای سوال و جواب و متناقض‌نما به تصویر مقام و جایگاه اجتماعی زنان و نقد رفتار نادرست مردم می‌پردازند و آن نارسایی را در مقابل چشم خوانندگان قرار می‌دهند تا آن را نسبت به زشتی و نادرستی رفتارشان آگاه کنند و به دفع این معایب برانگیزانند. سیداشرف‌الدین از شیوه طنز به نقد رفتار نادرست مردان و جامعه نسبت به زنان پرداخته‌است.

سیداشرف‌الدین گیلانی بخشی از اشعار خود را به جایگاه زنان اختصاص داده‌است. در کلیات او حدود بیست شعر برای زنان سروده‌است. که این اشعار گواه راستین جامعه عصر شاعر است که در اشعار خود به دفاع از هویت و جایگاه زنان، به ویژه به ظلم و ستمی که از طرف خانواده و جامعه به زنان می‌شد، پرداخته‌است.

سیداشرف‌الدین جزء آن دسته از مردان روشن‌فکر مذهبی است که بر خلاف نظر هم‌عصران خود زنان را به کسب علم تشویق می‌کردند. آن‌ها معتقد بودند که زنان هم باید مانند مردان باسواد باشند تا از تمام حقوق فردی و اجتماعی برخوردار شوند. نقطه تمایز اندیشه سیداشرف‌الدین این است که وی با این که شخص روشن‌فکر بود اما بر خلاف برخی افراد به ظاهر روشن‌فکر که حجاب زن را مانع پیشرفت و ترقی او می‌دانستند، بر حفظ حجاب و عصمت زن مصرا نه تأکید می‌کرد و موضوع زن را در دایره سنت و تجدد بررسی می‌کرد.

از مضمون‌های مرتبط با موضوع زنان که ما در اینجا به آن پرداخته‌ایم می‌توان به شیوه بیان طنزنویسی، مقام مادری، مقام سیاسی مادران، تحصیل زنان، تعدد زوجات، ازدواج دختران کم سن و سال با پیران، نقش دینی زنان، مسئله حجاب اشاره کرد. در مجموع می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که با وجود اینکه سیداشرف‌الدین گیلانی معروف به نسیم شمال برای زنان نقش‌های مادرانه و همسرانه قائل هستند لیکن برای آن‌ها خواستار نقش تجدد و نوگرایی مانند حق تحصیل، عدم تعدد همسر و... بودند.

منابع:

- محمدی، حسنعلی. (۱۳۷۳). شعر معاصر ایران از بهار تا شهریار. تهران: ارغنون
- نورمحمدی، مهدی. (۱۳۸۴). ناگفته‌هایی در باب زندگانی سید اشرف‌الدین حسینی. شاعر مردم، به اهتمام علی اصغر محمدخانی، تهران: سخن
- یزدانی، زینب. (۱۳۸۶). زن و شعر، تهران، انتشارات تیرگان
- آرین‌پور، یحیی. (۱۳۸۲). از صبا تا نیما، تهران: انتشارات زوار
- محمدخانی، علی‌اصغر. (۱۳۸۲). شاعر مردم یادنامه سیداشرف‌الدین، تهران
- گیلانی (نسیم شمال)، سیداشرف‌الدین. (۱۳۸۳). دیوان نسیم شمال، انتشارات سعدی، چاپ اول
- کریمی موعاری، فریده. (۱۳۸۲). شمیم نسیم، زندگی و شعر سیداشرف‌الدین حسینی گیلانی (نسیم شمال)، تهران، نشر ثالث
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۱). ادوار شعر فارسی، تهران، انتشارات توس
- اصیل، حجت‌الله. (۱۳۹۰). مفاهیم سیاسی و اجتماعی در شعر مشروطیت، تهران، کویر
- چرنیشفسکی، (۱۹۴۷). کلیات ادبیات روس در عهد گوگل، جلد سوم، مسکو، تهران، غنیمی هلال
- محمدخانی، علی‌اصغر. (۱۳۸۲). شاعر مردم یادنامه سیداشرف‌الدین، تهران
- سجادی، مرتضی. (۱۳۸۷). لیخندی از شک (زندگی، کار، اندیشه سیداشرف‌الدین)، تهران: انتشارات پیام مهدی (عج)

Investigating the position of women in awakening poems Case study of Seyed Ashraf al-Din Gilani " Nasim Shomal "

Mohammad Rahmani *1

Reza Rahmani ²

1. Professor of Persian Language and Literature (Ph.D.) in Islamic Azad University of Zanjan

2. Master of Private Law in Islamic Azad University of Takestan.

One of the important aspects of the constitutional era is the emergence of socio-political literature and popular poetry. Many poets wrote poems in the language of the people and for them in front of a small group that was still reciting poetry, and shouted in unison with the constitutionalists, the cry for freedom and hatred of foreigners and all that is unequal. In the meantime, Ashraf al-Din Hosseini Qazvini, known as the North Breeze of the people of the streets and bazaars, used a slang, humorous and reckless tone in his poems. Their language and anthem for them. Nasim Shomal should be considered as one of the poets defending women's rights. He is one of the poets who has played a significant role in the fight against ignorance and exploitation, as well as enlightening public opinion, in order to reject any oppression and abuse. In this article, we try to examine the poems that Nasim Shomal has written about women. The purpose of this study is to investigate the position of women in the poems of Nasim Shomal, the society studied by Nasim Shomal Divan.

Keywords

Nasimshamal, Seyed Ashrafuddin Gilani, Women, Poems, The Status of Women

